

4348

۱۰۰۰

۱

۵۱۲

۱۱۰

فرهنگ نامه موسیقی معلولان

فعالان، آثار، رخدادهای، تشکلهای و تحولات تاریخی

علی نوری



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	:	نوری، علی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگنامه موسیقی معلولان: فعالان، آثار، رخدادها، تشکلهای و تحولات تاریخی / علی نوری.
مشخصات نشر	:	قم: توانمندان: دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۵۱۲ ص.
شابک	:	978-622-6216-06-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	واژه نامه
یادداشت	:	کتابنامه
موضوع	:	موسیقی دانان معلول -- ایران
موضوع	:	Musicians with disabilities -- Iran
موضوع	:	معلولان و هنرها -- ایران
موضوع	:	People with disabilities and the arts -- Iran
موضوع	:	موسیقیدانان ایرانی -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Musicians -- Iran -- Biography
موضوع	:	شاعران ایرانی -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Poets, Persian -- Biography
موضوع	:	معلولان -- ایران
موضوع	:	People with disabilities -- Iran
موضوع	:	هنر و اجتماع -- ایران
موضوع	:	Art and society -- Iran
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ ۴۷۸ ML۴۷۸۵
رده بندی دیویی	:	۷۸۰/۸۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۳۶۴۳۴۹



دفتر فرهنگ معلولین
دارالتقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

فرهنگنامه موسیقی معلولان

فعالان، آثار، رخدادها، تشکلهای و تحولات تاریخی

پدیدآورنده: علی نوری

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۷

شابک: ۷-۶-۰۶-۶۲۱۶-۶۲۲-۹۷۸-۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۰۶-۷ ISBN: 978-622-6216-06-7

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۴۰۰/۰۰۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

www.DataDisability.com , www.Tavanmandan.com

فهرست

۵	پقدمه
۱۰	تقاضای استعفا
۱۱	فصل اول: مملوایان فعال
۲۴۱	فصل دوم: مراکز، شکل‌ها و گروه‌ها
۳۳۱	فصل سوم: جشنواره‌ها، همایش و نشست‌ها
۳۶۱	فصل چهارم: استادان و مربیان
۴۰۵	فصل پنجم: دوره‌های تاریخی
۴۷۷	فصل ششم: مآخذشناسی
۴۹۳	منابع
۴۹۹	فهرست تفصیلی

مقدمه

کتاب حاضر حدود سه سال زمان گرفت و آغاز پروژه به اواسط سال ۱۳۹۴ باز می‌گردد. در آن زمان دانشجویی در مقطع دکترا می‌خواست پایان‌نامه‌اش را در موضوع موسیقی معلولیتی از حیث تحولات تاریخی از مشروطیت تا سال‌های اخیر بنویسد. او از افراد دارای معلولیت حرکتی بود و با دفتر فرهنگ معلولین تماس گرفت و مشخصاً منابع می‌خواست. یک هفته از او وقت خواستیم. پس از جستجوهای بسیار، متوجه شدیم منابع کاملاً مرتبط به این موضوع به زبان فارسی نداریم ولی منابعی هست که قسمت‌هایی از آنها ربط دارد، البته اینها هم اندک بودند. پس از آن دیگر موضوعات هنری و موسیقایی ویژه معلولیت هم جستجو شد و با همین نتیجه تقریباً مواجه شدیم. از این رو تصمیم گرفتیم چند پروژه و کتاب در این مرکز کار شود. اکنون یکی از این پروژه‌ها آماده نشر شده است.

کارشناسان امور معلولین در کشورهای مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که موسیقی نقش‌های متعدد و متنوع در جامعه ایفا می‌کند؛ در روحیه معلولان مؤثر است و می‌تواند به عنوان درمان آلام آنان به کار گرفته شود؛ در اشتغال آنان مؤثر است و می‌تواند شیوه‌ای برای کسب درآمد باشد؛ به هنگام اوقات فراغت و به عنوان تفریح سالم قابل استفاده است؛ معلولان از طریق نوازندگی یا خوانندگی یا تمرین شیوه‌های موسیقایی مورد علاقه، در زمان بیکاری و استراحت، به آرامش روحی و روانی می‌رسند و از اضطراب و افسردگی رها می‌شوند. به هر حال از مضامین مختلف موسیقی می‌تواند نقش توان بخشی و توان افزایی در گروه‌های مختلف دارای معلولیت ایفا کند.

مدیریت توان بخشی در بسیاری از کشورها با استفاده صحیح از این شیوه توانسته‌اند، هزینه‌های توان بخشی را کاهش دهند؛ پیامدهای منفی شیوه‌های قدیمی توان بخشی مثل فیزیوتراپی را خنثی کرده و آثار و پیامدهای مثبت جایگزین کنند؛ راه را برای فعال شدن معلولان در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی آنان باز کنند؛ و بالاخره مقدمات لازم برای اشتغال و کسب و کار آنان را سامان‌دهی نمایند.

اما وقتی این نتایج به دست می‌آید که در بخش پژوهش، اطلاعات صحیح گردآوری شده و کارشناسان به تجزیه و تحلیل موضوعات پرداخته و خط‌مشی درست همراه با برنامه‌های اجرای دقیق در اختیار مسئولین گذاشته باشند، خلاصه اینکه بدون پژوهش نمی‌توان امید داشت که

کارها به نتیجه مطلوب برسد. اما پژوهش هم به ابزارهای خاص خود نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین آنها منابع است. متأسفانه در بخش تهیه و انتشار منابع برای موضوعات معلولیتی، اقدامات نهادهای دولتی بسیار کم بوده است؛ بخش خصوصی و سمن‌های مردمی هم به دلیل فقدان منابع مالی، توانایی برای این‌گونه امور را ندارند.

البته دفتر فرهنگ معلولین با مدیریت درست و برنامه‌ریزی توانسته ده‌ها منبع مورد نیاز در زمینه‌های مختلف فراهم آورد و در اختیار معلولین نخبه و پژوهشگران و مؤلفین قرار دهد. یکی از آن منابع، همین کتاب است.



کتاب حاضر به روش منابع مرجع تألیف شد؛ چون پژوهشگران برای پروژه‌های تحقیقاتی درباره هنر معلولیتی و موسیقی معلولیتی به چنین آثاری بیشتر نیاز دارند. البته جای منابع مرجع در جامعه هدف و فرهنگ معلولان بسیار خالی است. تا کنون در ایران، چند عنوان دانشنامه، دائرةالمعارف، کتاب‌شناسی، راهنما، شناسنامه و اصطلاح‌نامه درباره موضوعات مختلف نابینایی، ناشنوایی، معلولیت‌های حرکتی، ذهنی یا اجتماعی منتشر شده است؟

پاسخ این پرسش معلوم است. سازمان بهزیستی و دانشگاه بهزیستی به عنوان نهادهای دولتی که اساساً باید در این حوزه‌ها فعال باشند، چند عنوان کتاب مرجع درباره تاریخ معلولیت، تاریخ تشکلهای نابینایی، هنر معلولیتی، موسیقی معلولیتی، آموزش و پرورش معلولان، آسیب‌شناسی، مناسب‌سازی و ده‌ها موضوع دیگر منتشر کرده‌اند. تأسف که اینک نهادهای دولتی که بودجه‌های کلان ملی در اختیار دارند از بخش خصوصی که به اجرای پروژه‌های مرجع می‌پردازند تا کنون حمایت نکرده‌اند.

پاسخ این پرسش‌ها متأسفانه منفی است. از طرف دیگر به دلیل پرهزینه بودن پروژه‌های مرجع، افراد عادی توانایی انجام آن را ندارند. نتیجه اینکه فقدان منابع مرجع درباره موضوعات مختلف معلولیتی، راه را بر اجرای تحقیقات مستند و کارساز و مؤثر بسته است.



کتاب حاضر با این طرح و ذهنیت شروع به تحقیق و پژوهش شد که تمامی اطلاعات درباره ابعاد مختلف موسیقی معلولیتی را جمع‌آوری و در قالب مدخل‌های مضبوط تنظیم و عرضه کنیم. اما در عمل متوجه شدیم. درباره بعضی مدخل‌ها و موضوعات، حتی یک سطر اطلاعات وجود ندارد. درباره بعضی از دیگر مدخل‌ها اطلاعات بسیار اندک است که گویای ماهیت آنها نیست و نمی‌تواند آنها را بشناساند. بعضی از مدخل‌ها هم انبوهی از اطلاعات دارند ولی مغلوطن و معشوش است. چون تاکنون نقادی نشده و در معرض بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند.

به هر حال، در واقع دائرةالمعارف و فرهنگنامه و دیگر آثار مرجع در موضوعی شکل می‌گیرد و تحقق پیدا می‌کند که اطلاعات مکفی برای مدخل‌های انبوه و منابع متکثر وجود داشته باشد. آن هم فقط تکثر اطلاعاتی کافی نیست تنوع و چندگانگی هم شرط است.

به هر حال، به منظور تأمین اطلاعات مکفی برای مدخل‌های این فرهنگنامه مجبور بودیم، دامنه اطلاعات را توسعه دهیم، نشریات، سایت‌ها، کتب و پایان‌نامه‌ها را مطالعه کنیم و هر جا اندک اطلاعاتی می‌یابیم جمع‌آوری کنیم.

با این توضیحات، امیدواریم پژوهشگران نسبت به علل ضعف‌ها و مشکلات موجود در این کتاب مطلع شده و با همدلی و همکاری با این پروژه، در تکمیل چاپ دوم این کتاب کوشا باشند.

مدام مسئولین، مدیران، خود معلولان و مسئول تشکلات به درستی می‌گویند معلولان کار و شغل ندارند؛ فلان درصد آنان درآمد کافی ندارند و کاریابی و اشتغال برای آنان یک ضرورت است و ... ولی کسی نمی‌پرسد کشورهایی که معلولان دارای شغل و درآمد هستند چه روشی را پیش گرفتند و چه راهی را رفتند؟ آیا ما هم می‌توانیم همان تجرب را در اینجا اجرا کنیم؟

آیا تصادفی به این مرحله نرسیده یا در این کشورها معجزه‌ای رخ نداده؛ بلکه با فکر، درایت و پشتکار توانستند مشکلات را از پیش پای خود بردارند و جامعه مرفه و ایده‌آلی بسازند.

موسیقی از قدیم زمینه خوبی برای کسب درآمد و اشتغال بوده است. معلولان به دلیل تمرکز و ضریب هوشی بالاتر نسبت به عموم مردم می‌توانند بهتر و زودتر در رشته‌های نوازندگی و خوانندگی موفق شوند. از این رو وقتی به تاریخ موسیقی در کشورهای مختلف می‌نگریم، افراد دارای معلولیت بسیار می‌یابیم. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران به دلیل اینکه دیدگاه‌های مخالف موسیقی غلبه و بسطه یافتند، از این رو معلولین هم نتوانستند در رشته‌های موسیقی پیشرفت‌های چشمگیر کسب کنند. بعضی از آنان جذب رشته مداحی و مرثیه‌خوانی و برخی از آنان جذب قرائت و حفظ قرآن کریم و روایات مثل نهج البلاغه شدند؛ و بعضی مهاجرت و جلای وطن داشتند و دسته دیگر هم این سیوه را کنار گذاشتند.

کشور مصر در زمینه معلولین تجربه مثبت و کارآمد دارد. دولت مصر با حمایت از معلولین برای آنان آموزشگاه‌های موسیقی و نیز قرآن کریم تأسیس و تأیید کرده و بر اساس آمارهای موجود بیش از پنجاه درصد نابینایان و بیش از سی درصد دیگر معلولان جذب شده و آموزش دیده و به تولید و اشتغال و درآمدهای خوب رسیده‌اند. به طوری که گفته می‌شود مصر در زمینه اعزام مبلغ، مدرس و مروج قرآن درآمدی سرشار دارد. چون به همه کشورهای اسلامی تباری، مداح و مروج قرآن اعزام می‌کند و به کشورهای غیر اسلامی نوازنده و خواننده می‌فرستد.

البته جوری برنامه‌ریزی کرده که کسی به عنوان فرار و مهاجرت از کشور خارج نمی‌شود بلکه به عنوان توسعه کشورشان و بالا بردن درآمد و سطح اقتصادی مصر به دیگر کشورها می‌روند و پس از انجام مأموریت باز می‌گردند.

همچنین در اروپا، آمریکا و ژاپن و دیگر کشورهای توسعه یافته جهان، آموزش موسیقی به معلولین از کودکی و پیش از ورود به مدرسه شروع می‌شود به طوری که با اتمام دوره متوسطه، افراد دارای معلولیت در یکی از رشته‌های موسیقی تبحر دارند و می‌توانند اشتغال و کسب درآمد داشته

باشند. زیرا موسیقی از جمله نیازهایی فردی و اجتماعی است که نیاز به آن همگانی است؛ از طرف دیگر تنوع و کثرت آن هم بسیار است.

در دوره‌ای که تمدن اسلامی در اوج شکوه و اقتدار بود، یعنی در سده چهارم تا هفتم قمری؛ کمک و مساعدت عمومی به نوازندگان و خوانندگان به صورت یک فرهنگ مقبول بوده و مردم از طبقات مختلف و هر گروه به نوبه خود و به اقتضای دارایی خود به این جریان کمک می‌کردند. چون ارضا و تغذیه روحی از طریق شنیدن ساخته‌های موسیقی یا صدای خوانندگان، مقبولیت همگانی داشت. جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن در این باره نوشته است:

صله و جایزه دادن به خوانندگان، نوازندگان و شاعران از آغاز اسلام معمول بوده است پاره‌ای از خلفا برای شاعران مقرری ماهانه، یا سالانه تعیین می‌نمودند گاه هم سالی یکبار در روز معین شاعران را می‌پذیرفتند و مقرری سالانه آنها را به عنوان صله می‌دادند. در مورد شعر و شاعری هم بزرگان اسلام به شاعران در آن دوره بدل و بخشش داشتند؛ خلفای بنی‌امیه برای اولین مرتبه در تاریخ اسلام به شاعران پول می‌دادند. ولید بن یزید پیش از دیگران صله و جایزه شاعران را می‌پرداخت، او نخستین خلیفه‌ای است که برای هر بیت شعر، هزار درهم جایزه معین کرد و سائرین هم به او تأسی نمودند. عباسیان مبلغ را افزودند و برای یک قصیده صد هزار درهم جایزه دادند.

در زمان عباسیان خاندان برمک پیش از هر امیر و وزیر به شاعران کمک کردند به خصوص فضل بن یحیی که مرد شعر دوست شاعر پروری بود. یکی از شاعران درباره او شعری دارد که مضمون آن این گونه است:

«فضل به قدری با شاعران نیکویی کرد که همه مردم شاعر شدند.»

یحیی پدر فضل مانند پسر به نوازندگان و شاعران محبت داشت و اگر شاعری را در کوچه می‌دید و پولی همراه نداشت از اسب به زیر می‌آمد و اسب خود را به شاعر می‌داد. بزرگان و رجال ممالک اسلامی هر کدام به نوبه خود پول‌ها و صله‌هایی به شاعران و آوازه خوان‌ها می‌دادند؛ ولی هیچ کدام از آنان در این زمینه به پای خلفای عباسی و امیران و وزیران آنان نرسیدند. اخبار و داستان مربوط به شاعران و آوازه خوانان بسیار است.

همین که تمدن اسلامی رو به تکامل و جامعه به طرف سازندگی رفت و مردم اسباب و ثروت یافتند، طبعاً به ادبیات، شعر، ساز و آواز توجه کردند، به خصوص خلفا که از همه راحت‌تر و متمول‌تر بودند، بیشتر دنبال ساز و آواز رفتند و برای اهل طرب ماهانه و مقرری تعیین کردند و مانند شاعران اوقات معینی برای ملاقات و راه دادن آنان معین نمودند و عده‌ای از درباریان را برای رسیدگی به کارهای آنان مأمور ساختند و هر وقت به شکار و گردش می‌رفتند، آنان را با خود می‌بردند و جایزه‌ها و انعام‌های بسیار به آنان می‌دادند، سازندگان و خوانندگان بیش از شاعران نزد خلفا آمد و شد داشتند و زیادتر از شاعران پول و جایزه می‌گرفتند.

در میان خلفای اموی یزید بن عبدالملک بیش از دیگران به سازندگی و خوانندگی علاقه‌مند بود؛ هنگامی حبابه برای او شعری خواند و سازی نواخت و خلیفه به رقص آمد؛ بی‌اختیار بانگ زد:

ای جان عزیز از شدت خوشی می‌خواهم بپریم، حبابه گفت ملت را به کی می‌سپاری؟ خلیفه جواب داد که ملت دست تو سپرده است.

ولید پسر یزید بن عبدالملک نیز در این قسمت‌هایی قرار بود. مهدی و هارون و واثق و متوکل (از میان خلفای عباسی) بیش از دیگران به ادبیات و موسیقی توجه داشتند و طبعاً امیران و بزرگان معاصر آنان نیز از آنان پیروی می‌کردند.^۱

هدف از بیان تاریخ گذشته در زمینه ادبیات موسیقی، تأکید بر فسادهای جاری در دربارها نیست بلکه می‌خواهم بگویم در جوامع اسلامی همیشه، ادبیات و موسیقی جایگاه فراگیر و مهم داشته و اساساً تمدن و فرهنگ اسلامی بدون شعر و ادبیات و بدون موسیقی قابل فهم نیست. مردم از طبقات مختلف به موسیقی و شعر به عنوان بخشی از زندگی خود می‌نگریستند و برای آن بودجه‌ای از سبد خانوار در نظر گرفته بودند. اشراف و درباریان بیشتر به این مسئله توجه می‌نمودند و مخارج بیشتر داشتند.

اگر در این زمان موسیقی فاخر و موسیقی پاک که نقش مثبت در زندگی خانواده‌ها دارد و از آلام آنها می‌کاهد و به آنان سلامتی می‌بخشد، فراگیر شود و گسترده گردد، حتماً تأثیرات مثبت در بخش‌های جامعه خواهد داشت. یک نقش آن اشتغال و کسب درآمد بسیار برای معلولان است.

کتاب حاضر به بررسی ابعاد این مسئله می‌پردازد و نقش و جایگاه معلولین را در موسیقی بررسی می‌کند. هدف این کتاب این است که بتوانیم نوعی موسیقی به نام موسیقی ویژه معلولین یا موسیقی معلولیتی پی‌ریزی کنیم سپس برای توسعه آن اقدام کنیم. این نوع موسیقی در شمار موسیقی اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردد. و با انواع دیگر موسیقی مثل درباری و موسیقی غنایی و لهب و لعب آور فاصله دارد. نوازندگی‌های ررمی و نظامی، موسیقی درمانی و موسیقی آموزشی از نوع موسیقی اجتماعی است. معلولین با تجربه‌آموزی از گذشته می‌توانند در این رشته به موفقیت رسیده و علاوه بر اشتغال به هم‌نوعان خود هم کمک کنند.

لازم است از جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سیدعلی شهرستانی تشکر نمایم که با راهنمایی و پشتیبانی‌های مناسب خود راه پیشرفت را هموار فرمودند. نیز از همکاران پروژه خانم مریم قاسمی و فاطمه رسولی و مدیر عامل دفتر فرهنگ معلولین آقای محمد نوری سپاسگزاری می‌نمایم.

علی نوری
تیر ۱۳۹۷

تقاضا و استدعا

در بسیاری از کشورها، با حمایت‌های نیکوکاران و دولت موسیقی در جامعه معلولان پیشرفت‌های چشمگیر داشته و موجب رفع بسیاری از مشکلات شده است. ولی در ایران به دلیل موانع فقهی و مخالفت برخی از مقامات مذهبی، موسیقی معلولیتی نتوانسته توسعه مطلوب داشته باشد. دفتر فرهنگ معلولین با بررسی این موضوع، توجهات را به چند نکته جلب می‌کند:

۱- موسیقی برای معلولین یک روش درمانی است و بر اساس تحقیقات کارشناسان آنان با اعمال موسیقی می‌توانند به آرامش، مهارت افزایی، توانبخشی ذهنی، روحی و حتی جسمی برسند. حال از مراجع محترم تقلید و برخی از مقامات محترم مذهبی که مخالف موسیقی هستند می‌پرسیم: آیا معلولین به عنوان «حکم ثانوی» و از باب «ضرورت» نمی‌توانند به سراغ موسیقی بروند و از آن برای درمان خود و دیگران استفاده کنند؟

۲- ضرورت موسیقی برای معلولین فقط جنبه درمانی و پزشکی ندارد بلکه ابعاد گسترده اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هم دارد. بسیاری از آنان از این طریق می‌توانند درآمد داشته باشند و بدون موسیقی زندگی آنان از نظر اقتصادی فلج خواهد شد.

۳- البته معلولان نمی‌خواهند به کارهای حرام کشیده شوند و به دلیل تقید دینی که دارند، به سراغ موسیقی لهب و لعبی نمی‌روند بلکه می‌خواهند به سراغ موسیقی فاخر و بدون انجام افعال حرام پناه ببرند تا آلام روحی و جسمی آنان متفک گردد.

۴- درد و رنج معلولان بسیار زیاد است. آنان دائماً از آلام جسمی در رنج‌اند، غیر از آلام جسمی، بسیاری از آنان دچار افسردگی و دیگر مشکلات روحی هستند، درمان بسیاری از این دردها به وسیله موسیقی است.

اگر مقامات مذهبی چاره‌جویی نداشته باشند و اقدامی در حل این معضل نداشته باشند، پیامدها و آثار آنان فاجعه‌آمیزتر است، چون به دین‌گریزی بعضی از آنها منجر می‌گردد.

۵- معلولان در جلسات مختلف از مراجع محترم تقلید و دیگر مقامات مذهبی تقاضا نموده‌اند این مشکل را حل کنند و راه را برای پیشرفت آنان هموار فرمایند.

دفتر فرهنگ معلولین